

بررسی آرمانشهر در شاهنامه فردوسی

حمیده ژبان باقری^۱، محمد خوجیف^۲

^۱ دانش آموخته دکتری آکادمی علوم جمهوری تاجیکستان (نویسنده مسئول)

^۲ هیئات علمی آکادمی علوم جمهوری تاجیکستان

چکیده

مقاله حاضر درصدد بازخوانی فلسفه آرمانشهر به عنوان یکی از سازه‌های ذهنی در اندیشه اجتماعی حکیم ابوالقاسم فردوسی است. این مطالعه با هدف شناخت عمیق نظام ارزش‌های بومی با هویت ایرانی-اسلامی می‌باشد. فضای مفهومی موضوع را مرور کرده؛ از تئوری‌های جامعه‌شناختی برای مطالعه و تحلیل بهره می‌گیرد. روش مطالعه؛ موردی^۱ و انتخاب نمونه‌ی مورد مطالعه از نوع نمونه‌گیری کنترل‌شده^۲ می‌باشد. اعتبار معیار صوری شاخص‌ها^۳ به رأی صاحب‌نظران موکول شده و اعتبار سازه‌ای^۴ در مقایسه با چارچوب و مفاهیم نظری سنجیده می‌شود. پس از مرور نظری اندیشه آرمانشهر، نمونه‌ی مورد مطالعه را به جهت ارزش پژوهشی که در نمایاندن فرهنگ بومی دارد معرفی کرده سپس داده‌های کیفی، مورد تحلیل قرار می‌گیرد. جهان اجتماعی شاهنامه تکرار روایت‌هایی است که در کشاکش داستانی‌اش، دیدگاه‌های کهن ایرانی را با بهره‌گیری از غنای جامعه اسلامی بازنمایی کرده و تصویر روشنی است از سیر تکاملی حیات جوامع انسانی که با نظم ویژه‌ای در حرکت‌اند. زندگی اجتماعی مردمان هرگز از حرکت نمی‌ایستد و هرگاه در پرتو خرد و داد سامان یابد شکلی آرمانی از جامعه بشری متصور خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: جامعه‌شناسی ادبیات، آرمانشهر، نهادهای اجتماعی، نهاد سیاست و حکومت

^۱ Hyper Intensive

^۲ Controlled Sampling

^۳ Criterio Validity

^۴ Construct Validity

مطالعات ادبیات، عرفان و فلسفه

دوره ۵، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۸، صفحات ۶۲-۵۰